

# تکاپوهای پژوهشی در شناخت حیات اجتماعی دین در ایران

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

محمد رضا طالبان

عضو هیأت علمی «پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی»



سرشناسه: طالبان، محمدرضا، ۱۳۳۹ -  
 عنوان و نام پدیدآور: تکاپوهای پژوهشی در شناخت حیات اجتماعی دین در ایران / محمدرضا طالبان / ویراستار سمیه سادات حسینی.  
 مشخصات نشر: اصفهان: آرما، ۱۴۰۱.  
 مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص:، جدول.  
 فروست: کتابهای سرو (مطالعات اجتماعی شیعه): ۳۳.  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۶۳-۱۶-۱  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 موضوع: ایران -- دین -- جنبه‌های اجتماعی  
 Iran -- Religion -- Social aspects  
 ایران -- دین -- تاریخ  
 Iran -- Religion -- History  
 رده‌بندی کنگره: BL۲۲۷۰  
 رده‌بندی دیویی: ۱۵/۲۹۹  
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۲۶۰۶۲  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

www.ketab.ir

اصفهان / صندوق پستی: ۱۹۷۳-۸۱۴۶۵ تلفن: ۹۱۳۳۲۰۰۹۲۵	   نشر آرما
توزیع: پخش ققنوس ۰۲۱۶۶۴۰۸۶۴۰ پخش صدای معاصر ۰۲۱۶۶۹۷۸۵۸۲ پخش فدک ۰۳۱۳۳۳۵۱۲۰۷ پخش مداد آی ۰۲۱۸۸۳۵۶۴۳۶	<h2 style="text-align: center;">تکاپوهای پژوهشی در شناخت حیات اجتماعی دین در ایران</h2>
فروش اینترنتی: چهارسوق 4s000q.ir سی‌بوک 30book.com پاتوق کتاب bookroom.ir	<h3 style="text-align: center;">محمدرضا طالبان</h3>
کتاب الکترونیک: طاقچه taaghche.com فیدیبو fidibo.com	ویراستار: سمیه سادات حسینی
کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد	طراحی جلد: محمد صمدی / صفحه‌آرا: مسعود چترنروز شمارگان: ۳۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲ / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۶۳-۱۶-۱ www.nashrarma.com

# فهرست

مقدمه | ۰۹

فصل اول | چارچوبی مفهومی برای پیمایش دینداری در ایران | ۱۷

فصل دوم | مطالعه تطبیقی دین و به هم پیوستگی در ایران | ۵۵

فصل سوم | تكثر مذهبی و التزام دینی در ایران | ۸۳

فصل چهارم | دینداری و پتانسیل اعتراض سیاسی | ۱۰۵

فصل پنجم | دین و خودکشی در ایران؛ تحلیل تطبیقی درون کشوری | ۱۳۷

فصل ششم | بررسی تجربی ارتباط تجانس مذهبی با خودکشی در ایران | ۱۶۱

فصل هفتم | دین، التزام مذهبی و تحصیلات عالی | ۱۷۹

فصل هشتم | تبیین جامعه شناختی شکاف جنسیتی در دین اسلامی ایرانیان | ۲۰۹

فصل نهم | امنیت حیاتی و شکاف جنسیتی مذهبی در ایران | ۲۳۷

فصل دهم | تفاوت جنسیتی در دینداری و نظریه قدرت - کنترل | ۲۵۹

فصل یازدهم | تحلیل بولی و کلان نگر از عرفی شدن در ایران | ۲۸۳

فصل دوازدهم | آزمون بین کشوری نظریه بازار دین | ۳۰۷

فهرست منابع | ۳۳۹

# مقدمه

واقعیت آن است که همه آدمهان از آن حیث که در جامعه و محیط‌های اجتماعی مختلفی زندگی و کسب تجربه می‌کنند، واجد دانش و معرفت‌هایی می‌شوند که آنها را با دنیای پیرامون‌شان هماهنگ می‌سازد. این نوع دانش و معرفت در ادبیات جامعه‌شناسی، «معرفت عامه» نامیده شده که از حیث مضمونی، برد هر فرد، ملغمه‌ای از آموخته‌ها، شنیده‌ها، مشاهدات و تجربیات زیسته شخصی است که معمولاً در قالب تعمیم‌هایی ساخته و عرضه می‌شوند. این تعمیم‌ها، اغلب طریقی برای ساده‌کردن دید ما از دنیای پیرامون‌مان هستند و همه افراد در زندگی روزمره‌شان تا اندازه زیادی به آنها متوسل می‌شوند تا بتوانند با بسیاری از وضعیت‌های آشنا و ناآشنا کنار بیایند. بسیاری از ادعاهای افراد درباره واقعیات پیرامون‌شان جزئی از معرفت عامه آنان می‌باشد که معمولاً با شواهدی گزینشی و همسو با مدعاها و نادیده گرفتن سایر شواهد مغایر همراه است. با این همه روانشناسان اجتماعی نشان داده‌اند که معرفت عامه از حیث مضمونی غالباً مبتلا به خطاهای متعددی (از جمله ادراکات و قضاوت‌های قالبی، اثرات هاله‌ای، فرافکتی‌ها، ادراکات برگزیده، سوگیری‌های ایدئولوژیک و...) است. علم و روش‌های تحقیق علمی، تلاشی هستند تا حتی‌الامکان بر این خطاهای موجود در معرفت عامه فائق آییم و آنچه را که می‌پنداریم یا دیگران می‌پندارند، واقعیت نبینیم. جامعه‌شناس شهیر معاصر، پیتر برگر نیز وقتی تصریح نمود که «نخستین حکمت جامعه‌شناسی این است که چیزها هرگز آنچنان که به نظر می‌رسند، نیستند» همین

معنا را افاده می نمود. ولی عالمان چگونه می توانند این مهم را بفهمند؟ به نظر می رسد تنها راه آن، فقط و فقط از طریق پژوهش های علمی و مطالعات تجربی روش مند باشد که شواهد و مدارک معتبر یا داده های مقتضی را در اختیارمان بگذارد. درحقیقت، پژوهش ها یا مطالعات تجربی روش مند در علوم اجتماعی تلاش دارند تا از طریق رجوع سازمان یافته و برنامه ریزی شده به واقعیت ها، به شناختی معتبر از حیات اجتماعی آدمیان نائل شوند. به بیان دیگر، چون هر مدعایی در خصوص وضعیت پدیده های اجتماعی در جامعه، از واقعیات موجود (اعم از ذهنی و عینی) در حیات اجتماعی آدمیان خبر می دهد، آن مدعا مرجع تجربی داشته و درستی یا حقانیت شان منطقاً فقط از طریق بررسی تجربی میسر است. با وجود این نمی توان این واقعیت را کتمان نمود که درباره هر موضوع یا مسأله اجتماعی اگر از مردم عادی سؤال کنیم، پاسخی ارائه خواهند داد. از آن بالاتر مردم عادی حتی درباره چیزهایی که هیچ از آن نمی دانند نیز معمولاً اظهار نظر می کنند! (برای مشاهده نمونه ای عینی ر.ک. به: بروس، ۱۳۸۱). این بدان معناست که در قبال موضوعاتی که جامعه شناسان مطالعه می کنند، همواره افکار عمومی با دیدگاه های منبعث از معرفت عامه وجود داشته است. در حقیقت، موضوعات مورد مطالعه جامعه شناسی دارای انحصاری رشته جامعه شناسی نمی باشند و نمی توان آن را سرمایه ای محسوب نمود که یگانه مالکانش جامعه شناسان هستند یا فقط آنها هستند که کنترل تام و تمامی بر نحوه تحلیل و تبیین، پردازش، تفسیر و روایت این موضوعات دارند. به همین سبب، جامعه شناسان، به عنوان عالمان اجتماعی متخصص، همواره مجبور بوده اند تا با روایت هایی رقابت کنند که بیرون از دنیای حرفه ای آنان در قالب افکار عمومی و معرفت عامه مطرح می شود. درخصوص وضعیت و تحولات دین و دینداری در ایران نیز جامعه شناسان همواره با دیدگاه های منبعث از معرفت عامه روبه رو بوده اند. ولی چنان که پیش از این گفته شد، هرگونه مدعا در خصوص وضعیت و تحولات دین و دینداری در ایران معاصر اشاره به واقعیتی تجربی دارد که می بایست با مشاهده سیستماتیک و روشمند (= تحقیق علمی) اعتبار آن ادعا مشخص گردد. هر چند هیچگاه نمی توان به صورت قطعی ادعا کرد آنچه که از این تحقیقات علمی به دست می آید، به طور کامل با نفس الامر دین و دینداری در جامعه ایران مطابقت دارد؛ اما چون شناخت های حاصل از این نوع تحقیقات علمی به طور غیرسوگیرانه؛ منظم تر و سیستماتیک تری حاصل می شوند به مراتب از مدعیات مبتنی بر معرفت عامه (که قائم بر حدسیات، ادراکات گزیده، تصورات قالبی، تجربیات

محدود، مشاهدات محدود و شنیده‌های روزمره افراد است) معتبرتر و قابل اطمینان‌تر هستند. برای خلاصه‌کردن این مطالب، تأکید می‌کنیم که پژوهش‌های جامعه‌شناختی در حوزه دین قصد دارند از طریق تجربه یا رجوع سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده به واقعیت دین، آن‌طور که در فرد و اجتماع تحقق یافته، به شناختی معتبر از حیات اجتماعی دین نائل شده و مدعاهای نظری رقیب را به بوتۀ آزمون تجربی بزنند.

کتاب حاضر، مشتمل بر مجموعه‌ای از پژوهش‌های جامعه‌شناختی مربوط به وضعیت حیات دینی در ایران است که در سال‌های بین ۱۳۸۸ الی ۱۴۰۱ (ش. ۵) در مجلات علمی به زیور طبع آراسته شده و جدا از معرفت‌زایی به ارزیابی تجربی مدعاهای نظری رقیب نیز پرداخته است. به عبارت بهتر، گفتارهایی که در کتاب حاضر به محضر اهل فضل و علاقه‌مندان به دین پژوهی علمی تقدیم می‌شود، پژوهش‌هایی جامعه‌شناختی برای شناخت حیات اجتماعی دین در دوره‌ای از ایران معاصر می‌باشد که ذیل حکومت دینی جمهوری اسلامی بوده است. برای آشنایی اولیه خوانندگان و در راستای معرفی اجمالی این کتاب لازم دیده شد که مروری کلی بر فصل‌های مندرج در آن داشته باشیم.

مقاله اول، با عنوان «چارچوبی مفهومی برای پیمایش دینداری در ایران» که قبلاً در شماره ۲ فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ به زیور طبع آراسته شده بود؛ به مسأله چگونه مفهوم‌سازی دین و دینداری به تفکیک ابعاد، مؤلفه‌ها و معرّف/شاخص‌هایی می‌پردازد که برای تحقیقات پیمایشی در خصوص تدین اسلامی ایرانیان مناسب باشد. در این راستا، ابتدا، دین و دینداری با درجه‌ای از انتزاع و براساس سه بُعد اعتقادات، احساسات و اعمال تعریف شد. سپس مؤلفه‌های درون هر بُعد از دینداری مشخص گردیدند. یعنی، بُعد اعتقادی دین به دو مؤلفه «اصول» و «فروع»؛ بُعد عاطفی دین به سه مؤلفه «تجربه دینی»، «علقه دینی» و «هویت دینی»؛ و بُعد رفتاری دین به سه مؤلفه «اخلاقیات»، «شرعیات» و «عبادات» تقسیم شدند. در پایان، برای ساخت سنجۀ دینداری در هر یک از مؤلفه‌های فوق‌الذکر، معرّف/شاخص‌های معینی براساس آموزه‌های اسلام ارائه گردید.

مقاله دوم با عنوان «مطالعه تطبیقی ارتباط دین و به‌هم‌پیوستگی اجتماعی در ایران» در شماره ۱۹ دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ایران دانشگاه مازندران، بهار و تابستان ۱۴۰۱ چاپ شده است. واقعیت آن است که جامعه‌شناسان از دیرباز، «دین» را به عنوان عامل مهم تأمین و حفظ به‌هم‌پیوستگی اجتماعی جوامع محسوب نموده و استدلال‌هایی را در

معقول سازی این رابطه مطرح کرده‌اند. در مقابل، برخی نظریه پردازان متأخر سکولاریزاسیون در علوم اجتماعی این استدلال را مطرح نموده‌اند که امروزه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیزاسیون و توسعه یافتگی بر حیات دینی جوامع آن بوده که پیوند دین و به هم پیوستگی اجتماعی را به شدت تضعیف نموده است تا جایی که به هم پیوستگی اجتماعی، دیگر وابستگی چندانی به دین و دینداری اعضای جامعه ندارد. در این مقاله پژوهشی، ابتدا استدلال‌های این دو دیدگاه نظری رقیب در جامعه‌شناسی به دو فرضیه متفاوت در خصوص چگونگی ارتباط دین با به هم پیوستگی اجتماعی ترجمه گردید. سپس تلاش گردید با واحد تحلیل قراردادان «استان» و استفاده از داده‌های جمعی نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، اعتبار این فرضیات با روش تطبیقی درون‌کشوری در ایران مورد آزمون تجربی قرار گیرند.

در مقاله سوم با عنوان «تکثر مذهبی و التزام دینی در ایران» که در شماره ۱۵ دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ایران دانشگاه مازندران، بهار و تابستان ۱۳۹۹ به زیور طبع آراسته شده بود، به یکی از محورهای اصلی منازعه میان دو پارادایم حاکم بر جامعه‌شناسی دین در دهه اخیر یعنی، چگونگی ارتباط بین تکثر یا تنوع مذهبی با التزام دینی می‌پردازد. ذخیره دانشی قدامی علوم اجتماعی ذیل پارادایم سکولاریزاسیون حکایت از این داشت که تکثر/تنوع مذهبی موجب تضعیف التزام دینی می‌گردد. در مقابل، پارادایم جدید اقتصاد دین یا مدل بازار دین استدلال نموده که تکثر/تنوع مذهبی منجر به افزایش التزام دینی می‌شود. در این مقاله پژوهشی، مکانیسم‌های ارتباطی میان دو متغیر تکثر/تنوع مذهبی و التزام دینی از دیدگاه دو پارادایم سکولاریزاسیون و بازار دین تشریح شده و سپس فرضیات متعارض آنها با داده‌های ثانویه مربوط به ایران از طریق تحلیل تطبیقی درون‌کشوری با واحد تحلیل استان مورد واریسی تجربی قرار گرفته است.

مقاله چهارم با عنوان «دین و پتانسیل اعتراض سیاسی»، که در شماره اول دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی، بهار و تابستان ۱۳۹۹ به زیور طبع آراسته شده بود، حول محور این پرسش اصلی شکل گرفت که دینداری فردی چه نقشی در پتانسیل اعتراض سیاسی دارد. ذخیره دانشی قدامی علوم اجتماعی در بسیاری از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی دلالت بر این پاسخ داشت که چون دین نقشی توجیهی یا حمایتی از سنت‌های حاکم و نظم موجود دارد پس پتانسیل اعتراض سیاسی را کاهش می‌دهد. با وجود این، برخی دانش‌پژوهان علوم اجتماعی در سال‌های اخیر استدلال نموده‌اند که دین و دینداری

می‌تواند از راه‌های مختلف و از طریق کانال‌های متنوعی بر بسیج سیاسی و رفتار اعتراضی تأثیر بگذارد. این کانال‌های مختلف یا مکانیسم‌هایی که از طریق آنها دین و دینداری می‌تواند بر رفتار اعتراضی تأثیر بگذارد، در مقاله حاضر تشریح گردیده و سپس با تفکیک دینداری به دو بُعد اصلی «اعتقادات دینی» و «مناسک مذهبی»، استدلال‌هایی نظری برای معقول‌سازی دو فرضیه متعارض ارائه گردید. اول، اعتقادات دینی پتانسیل اعتراض سیاسی فرد را کاهش می‌دهد؛ و دوم، مشارکت در مناسک مذهبی باعث افزایش پتانسیل اعتراض سیاسی می‌شود. در نهایت، فرضیات مزبور با داده‌های برآمده از مطالعه‌ای پیمایشی در شهر تهران مقابله شد تا میزان برازش تجربی‌شان آشکار شود.

مقاله پنجم با عنوان «تحلیلی تطبیقی از ارتباط دین و خودکشی در ایران»، که در شماره ۲ دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران دانشگاه خوارزمی، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ به چاپ رسیده بود، به مسأله چگونگی ارتباط بین دین با خودکشی پرداخته که از دیرباز مورد بررسی و کاوش دانش‌پژوهان علوم اجتماعی، به‌ویژه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در این مقاله پژوهشی، با مروری بر ادبیات نظری و تجربی موجود در این حوزه مطالعاتی ابتدا مکانیسم‌های ارتباطی میان دو متغیر دین و خودکشی تشریح گردیده است. سپس فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر این که «دین اثر محافظی یا کاهش‌دهنده در برابر خودکشی دارد» در بافت جامعه مسلمان ایران با داده‌های ثانویه از طریق تحلیل تطبیقی درون‌کشوری با واحد تحلیل استان مورد ارزیابی تجربی قرار گرفته است.

در مقاله ششم با عنوان «بررسی ارتباط تجانس مذهبی و خودکشی در ایران»، که در شماره ۱ مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار ۱۴۰۱ به زیور طبع آراسته شده بود، به این مسأله جدید در جامعه‌شناسی پرداخته است که تجانس مذهبی چگونه بر نرخ‌های خودکشی تأثیر می‌گذارد. در جامعه‌شناسی، میراث علمی دورکیم در خودکشی‌پژوهی با مقایسه تأثیر سنت‌های مذهبی مختلف بر نرخ‌های خودکشی تداوم یافته است، اما یک جایگزین نویدبخش برای تکمیل و پیشرفت این حوزه مطالعاتی عبارت از بررسی تأثیرات تجانس مذهبی بر نرخ‌های خودکشی می‌باشد. در همین راستا، برخی جامعه‌شناسان ادعا نمودند که تجانس مذهبی کانون مناسب‌تری برای مطالعات جامعه‌شناختی خودکشی در سطح کلان است. لذا مطالعه حاضر در بسط میدان پژوهشی مربوط به ارتباط دین و خودکشی و با تمرکز به جامعه ایران حول محور این پرسش کلیدی یا سؤال اصلی سازمان داده شد که چه

ارتباطی بین تجانس مذهبی و نرخ‌های خودکشی در ایران وجود دارد؟

مقاله هفتم با عنوان «دین، التزام مذهبی و تحصیلات عالی» که قبلاً با عنوان «تفکر ابتدایی، دینداری و تحصیلات عالی» در شماره ۴۹ فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، بهار ۱۳۹۹ به زیور طبع آراسته شده بود، به مسأله دیرینه افول دین و دینداری به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر روشنگری‌های علم و پیشرفت‌های تکنولوژیک در علوم اجتماعی می‌پردازد. شواهد پژوهشی ارائه شده در این مقاله حکایت از آن دارد که اکثر ادبیات حجیم مربوط به ارتباط تحصیلات دانشگاهی با کاهش دینداری دانشجویان که تحت سیطره پارادایم سکولاریزاسیون و فرضیه ناسازگاری علم با دین تولید شده بود، از حمایت تجربی لازم برخوردار نمی‌باشند. همچنین تحلیل داده‌های مربوط به دینداری مسلمانان ایرانی نشان داد که تفاوت دینداری جمعیت نمونه تحقیق بیشتر تحت تأثیر زمینه مذهبی خانوادگی آنان بوده است نه تحصیل در دانشگاه. به عبارت دیگر، آن چیزی که غالباً به عنوان تأثیرات دانشگاه بر کاهش التزام مذهبی دانشجویان در مقایسه با همتایان شان که فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند، مطرح می‌شود؛ بیشتر به خاطر تفاوت در زمینه‌های خانوادگی و جامعه‌پذیری اولیه آنان قبل از ورود به دانشگاه بوده نه این که محصول تجربیات آنان بعد از ورود به دانشگاه‌ها باشد.

در مقاله هشتم با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی شکاف جنسیتی در دین‌اسلامی ایرانیان»، که قبلاً تحت عنوان «چرا زنان دین‌داتر از مردانند؟» در شماره ۹۳ فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تابستان ۱۴۰۰ به زیور طبع آراسته شده بود، ابتدا تلاش گردید در سطح نظری با مروری تحلیلی بر تبیین‌های نظری مربوط به شکاف جنسیتی مذهبی در ادبیات جامعه‌شناسی، استدلال‌های اصلی تئوری‌های جایگاه ساختاری، محرومیت، جامعه‌پذیری و ریسک‌پذیری در قالب فرضیات تحقیق، استخراج و فرموله شوند. سپس در سطح تجربی تلاش گردید تا با مقابله این فرضیات با داده‌های حاصل از جمعیت ملی مسلمانان ایرانی میزان انطباق و تناظر فرضیات یا پیش‌بینی‌های نظری مزبور با داده‌ها و شواهد تجربی مورد ارزیابی و داوری قرار گیرد.

مقاله نهم با عنوان «امنیت حیاتی و شکاف جنسیتی مذهبی در ایران» در شماره ۳۷ دوفصلنامه علوم اجتماعی ایران دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. این گزاره که «زنان مذهبی‌تر از مردانند» یکی از معدود گزاره‌های تعمیمی است